



پژوهشنامه ایرانی سیاست بین الملل، دوره 12، شماره 2، شماره پیاپی 24، بهار و تابستان 1403

دوره انتشار: شش ماهنامه \* شاپا چاپی: 3472-2322 \* شاپا الکترونیک: 3402-2717

doi <https://doi.org/10.22067/irlip.2024.86105.1485>

تاریخ دریافت: 1402/10/16 تاریخ پذیرش: 1403/02/20

مقاله پژوهشی



# استعاره مفهومی «مسیر» و «تحول عدالت» در گفتمان سیاست خارجی دولت سیزدهم (با تأکید بر سخنرانی‌های رئیس جمهور در مجمع سالانه سازمان ملل متحد)

سیدهاشم منیری<sup>۱</sup>، سیدحسین اطهری<sup>۲</sup>

## چکیده

این پژوهش تلاش دارد با استفاده از چارچوب نظری زبان‌شناسی شناختی و روش «پراگماتیک» به بررسی بافت مفهومی سیاست خارجی دولت سیزدهم بپردازد. بنیادی‌ترین راهبرد سیاست خارجی دولت سیزدهم، نظم عدالت محور، و حل و فصل مسائل بین‌المللی بر پایه نظم و عدالت است. موانع موجود در رسیدن به این هدف ممکن است مسیر مورد نظر را کند و یا متوقف کند. فهم این مسیر در سخنرانی‌ها و بافت زمینه‌مند دولت قابل‌بازنمایی و درک است. پرسش اصلی این است که دولت سیزدهم از چه استعاره‌های مفهومی در گفتمان نظم عدالت محور استفاده کرده است؟ فرضیه بر آن است که استعاره «مسیر» پربرسام‌ترین مفهوم در گفتمان دولت آقای رئیسی است. یافته‌ها نشان می‌دهد روابط ناعادلانه، بی‌عدالتی و تبعیض به علت «ذهن» و «نظام سرمایه‌داری جهانی» با محوریت آمریکا مانع از به انجام رسیدن این مسیر است؛ این مانع با ایجاد «تحول جهادی» قابل‌بازسازی است. نتایج نشان می‌دهد، عبارت‌های زبانی و فضای ذهنی در دستگاه سیاست خارجی، ساختارهایی هستند که از طریق همبستگی مستقیم و بی‌واسطه با رویدادها، «معنی» را بین «مخاطب» و «دیگران» پدید می‌آورند.

**واژگان کلیدی:** ایران، استعاره مفهومی مسیر، جورج لیکاف، گفتمان تحول.

1- دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی (گرایش اندیشه‌های سیاسی)، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.

[seyedhashem.moniri@mail.um.ac.ir](mailto:seyedhashem.moniri@mail.um.ac.ir) ORCID: 0000-0001-8233-3340

2- دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران. نویسنده مسئول: [athari@um.ac.ir](mailto:athari@um.ac.ir)

ORCID: 0000-0001-7332-4848



491

استعاره مفهومی «مسیر» و  
«تحول عدالت» در  
گفتمان سیاست خارجی  
دولت سیزدهم

# The conceptual metaphor of "path" and "transformation of justice" in the foreign policy discourse of the 13th government (With emphasis on the speeches of president at the annual assembly of the united nations)

Seyed Hashem Moniri<sup>1</sup>, Seyyed Hossein Athari<sup>2</sup>

## Abstract

This research tries to investigate the conceptual context of the foreign policy of the 13th government by using the theoretical framework of cognitive linguistics and the "Pragglejaz" method. The most fundamental strategy of the 13th government's foreign policy is justice-oriented order and solving international issues based on order and justice. Obstacles in reaching this goal may slow down or stop the desired path. The understanding of this path can be represented and understood in the speeches and context of the government. The main question is, what conceptual metaphors has the 13th government used in the discourse of justice-oriented order? The hypothesis is that the "path" metaphor is the most frequent concept in the discourse of Mr. Raisi's government. The findings show that unfair relations, injustice, and discrimination due to the "mind" and the "global capitalist system" centered on the United States prevent the achievement of this path; This obstacle can be rebuilt by creating a "jihadi transformation". The results show that language expressions and mental space in the foreign policy apparatus are structures that create "meaning" between the "addressee" and "others" through direct correlation with events.

**Keywords:** Iran, The conceptual metaphor of the path, George Lakoff, The discourse of transformation.

---

1- Ph.D In political science (political thoughts), faculty of law and political sciences, Ferdowsi University of Mashhad; Mashhad, Iran. [seyedhashem.moniri@mail.um.ac.ir](mailto:seyedhashem.moniri@mail.um.ac.ir)

2- Associate professor In political science, department of political sciences, faculty of law and political sciences, Ferdowsi University of Mashhad; Mashhad, Iran. corresponding author: [athari@um.ac.ir](mailto:athari@um.ac.ir)



492

پژوهش نامه ایرانی  
سیاست بین الملل،  
سال 12، شماره 2، شماره  
پیاپی 24، بهار و تابستان  
1403

در تحلیل دوره دوساله سیاست خارجی دولت سیزدهم (Aug, 2021 & Sep, 2023)، نخستین مسئله‌ای که در سخنرانی رئیسی در مجمع سالیانه سازمان ملل به‌عنوان یک قاعده کلی در محوریت آن قرار گرفته است چیستی و گستره تاریخی عدالت و دسترسی انسان به آن است. پس از تأسیس انقلاب اسلامی و تمیز هستی انسان در جامعه سیاسی، یک نظریه سیاسی به‌طور مرسوم نهاد نمایندگی حقیقت استعلایی را جایگزین اصول و مبادی سیاست پیشین نمود و اصول فلسفه تاریخ را، که بیشتر به‌نوعی احیا و بازسازی شبیه بود، از مسائل بنیادی هستی سیاسی واقع‌گرایی صرف، به سمت «آرمانی» و نوع تازه‌ای از «نظم اجتماعی بین‌الملل» تغییر داد. این چرخش زبانی<sup>۱</sup> از «واقعیت» به سمت هنجارهای آرمانی در مقدمه (شیوه‌ی حکومت در اسلام) و متن قانون اساسی، به‌ویژه فصل دهم تحت‌عنوان «سیاست خارجی» و اصول یک‌صد و پنجاه و دوم تا یک‌صد و پنجاه و پنجم نمود عینی پیدا کرده است. از این رو، به تبع قانون اساسی برآمده از انقلاب، دستگاه تئوریک بر آن داشت تا به سه پرسش مبتنی بر «نفی» و سه پرسش «ایجابی» پاسخ مکفی دهد: «وضع نامطلوب که می‌بایست برانداخته/ دگرگون شود چیست؟ آن وضع دورانداختنی صورتاً و تاریخاً چگونه برانداخته می‌شود؟ چرا این وضع قابل دوام نیست؟» (Khalili, 2021, p.86). به‌علاوه، «آن وضع آرمانی چگونه شکل می‌گیرد؟ چرا وضع آرمانی می‌بایست غلبه کند؟ و از همه مهم‌تر ماهیت وضع محبوب که می‌بایست پدید آید چیست؟» (Khalili, 2021, p.86). طرح پرسش‌های معرفت‌شناختی و روش‌شناختی در باب چگونگی شکل‌دهی به سیاست خارجی از یک‌طرف؛ و مسائل بین‌المللی ناشی از ذات آنارشیک نظام بین‌الملل (Linklater & Suganami, 2006, p.44)، از طرف دیگر ایران را بر آن داشت تا برخلاف نظام دوقطبی شرق و غرب و سپس نظام یک‌جانبه‌گرایی پس از فروپاشی نظام شوروی، سیاست ویژه‌ای را جهت تأمین منافع ملی به‌دست آورد.

یکی از سیاست‌های بنیادین سیاست خارجی ایران که ریشه در رسالت دین و مکتب اسلام دارد، عدالت و عقلانیت است. معیار و میزانی که همه آرمان‌های بشری با آن سنجیده و اساسی برای جهان بهتر است. در تمامی مکاتب دینی و سیاسی، به‌ویژه در نگرش انقلابی گری<sup>۲</sup> کانتی، یکی از مؤلفه‌های بنیادی مسئله عدالت و چگونگی دستیابی به آن و ایستادگی، مقابله و مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی است. به‌طوری که،

1- Linguistic Turn

2- Kant's Revolutionary Theory



این نگرش مشتاق برقراری مجدد نظمی است که تغییرات عادلانه را برقرار کند (Bull, 2012, p.90). از این رو، هنگامی که دولت، نهاد و یا سازمان بین‌المللی مانعی در راه کسب، حفظ و افزایش عدالت ایجاد کند، نه تنها نوع دوستی رو به افول خواهد گذاشت، بلکه بستر لازم برای دشمنی و جنگ برافروخته خواهد شد. بدین ترتیب، توزیع عدالت و گستره‌ی اخلاق و معنویت می‌تواند به‌عنوان یکی از ابزارهای لازم جهت به بند کشیدن ظلم و کاهش یک‌جانبه‌گرایی کشورهای هژمون در جامعه جهانی شناخته شود. هدلی بول، بر اساس یک تحلیل تاریخی، آن را شامل یک چرخش پنج مرحله‌ای که شامل مبارزه برای استعمارزدایی، حاکمیت برابر، برابری نژادی، عدالت اقتصادی و آزادی فرهنگی می‌داند، ترسیم می‌کند (Bull, 2012, p.xiv). از این رو، چالش بین‌گفتمان «نظم» در جهان غرب و گفتمان «عدالت» در جهان غیرغربی (Linklater, 2013, p.122)، از جمله مسائلی است که جامعه بین‌المللی و از جمله جمهوری اسلامی را درگیر خود کرده است. این مناقشه، بر اساس آنچه مارتین وایت در باب سیاست بین‌الملل می‌گوید عرصه تجدید و تکرار است؛ به گونه‌ای که در آن کنش سیاسی به‌طور منظم پیدا و آشکار می‌شود (Little, 2011, p.159). بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران از ابتدای به دست گرفتن قدرت در جامعه داخلی و اعلام جهان‌نگری مبارزه با ظلم و حمایت از عدالت، تلاش دارد این راهبرد «اخلاقی» و «معنوی» را با استفاده از مؤلفه‌های نرم، مانند دیپلماسی، چندجانبه‌گرایی و مراوده با همسایگان منطقه به منصفی ظهور برساند و جهان کهنه یک‌جانبه‌گرایی و سلطه‌طلبی را به چالش بکشد. البته کشورهای اروپای غربی و ایالات متحده آمریکا در برابر اخلاق‌گرایی، عدالت‌طلبی و فضیلت‌مندی ایران، که صدای جامعه بین‌الملل مردم ستمدیده از استعمار و استثمار است، از حربه تحریم و تهدید استفاده می‌کنند. به همین خاطر، رؤسای جمهور در هر نشست بین‌المللی، از جمله مهم‌ترین رکن عمومی نهاد بین‌المللی مانند اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل، به‌عنوان صدای آسیای غربی، به طرح عدم وفای به عهد و نقض کردن قواعد کشورهای بزرگ، می‌پردازند. دو مؤلفه یادشده، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اخلاقی جامعه بین‌الملل، که شامل دو طیف کثرت‌گرای<sup>1</sup> کم‌مایه و همبستگی‌گرای<sup>2</sup> پرمایه است، بازتاب می‌یابد. لازم به ذکر است که در شاخه کثرت‌گرا؛ توافق بر سر اصولی است که امکان هم‌زیستی در جهت تأمین منافع مشترک، تحصیل می‌شود. در مقابل، شاخه همبستگی‌گرا بر همکاری و تقارب بر سر اصول اخلاقی جهان‌شمول مانند دفاع از حقوق

1- Pluralists  
2- Solidarists

بشر، تأکید دارد» (Moshirzadeh, 2009, p.149; Navari, 2021, pp.167-168). از جهت دیگر، آگاهی، یا بی‌اعتنایی دولت‌ها به منافع و ارزش‌های مشترک به فهم و برسازای‌های تاریخی جامعه بین‌الملل بازمی‌گردد. مفروض جامعه بین‌الملل این است که نوعی توافق بین‌ذهنی در میان دولتمردان وجود دارد. پذیرش بین‌ذهنیت<sup>۱</sup>، اذعان به محوریت زبان و بین‌ذهنی بودن امنیت در روابط بین‌الملل است (Buzan., Wæver., & Wilde, 1998, p.31). در نتیجه، برآمدن روش‌های تفسیری و حوزه‌زبان‌شناسی شناختی<sup>۲</sup> که استعاره مفهومی<sup>۳</sup> یکی از چارچوب‌های شناختی و تحلیلی آن محسوب می‌شود، آن را در معرض نمایش بافتار کلامی، زمینه‌مندی‌های تاریخی و فضای ذهنی قرار می‌دهد.

بنابراین این پرسش مطرح است که دولت سیزدهم از چه استعاره‌های مفهومی در گفتمان نظم عدالت محور استفاده کرده است؟ عدالت از چه جایگاهی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی برخوردار است؟ و آیا نظام بین‌المللی توانایی ایجاد یک نظام اخلاقی پرمایه را دارد یا خیر؟ فرضیه بر آن استوار است که دولت سیزدهم با طرح عدالت و یک جهان بهتر، مسیری را از «هست» به «باید» ترسیم می‌کند که ایالات متحده به عنوان یک «مانع» در این «مسیر» در نظر گرفته می‌شود. بدین منظور ما از استعاره مفهومی «مسیر» برای درک ایده یا حوزه مفهومی (الف) برحسب ایده یا حوزه مفهومی (ب) استفاده می‌کنیم.



### پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام‌شده درباره سیاست خارجی جمهوری اسلامی رویکردهای گوناگونی را دربر دارد که هر کدام، آن را بر مبنای یکی از تئوری‌های روابط بین‌المللی و مدل‌های مفهومی تحلیل کرده‌اند. (Gohari Moghadam and et al., 2023)، سیاست همسایگی و ایجاد همگرایی منطقه‌ای را برای گسترش همکاری و روابط برشمرده‌اند که از سه الگوی «مفاهمه»، «معامله» و «مقابله» تشکیل شده است. نویسندگان معتقدند یک مدل «تعاملی» و «میانه‌گرایی» به لحاظ شرایط خاص ژئوپلیتیکی، تاریخی و مذهبی می‌تواند سیاست خارجی را از مقابله به مفاهمه تبدیل کند. این امر با به کارگیری عقلانیت پویا؛ تدوین ادبیات گفتمانی میانه؛ و عدم گستره‌ی سیاست‌های داخلی در سیاست‌های کلان خارجی تحقق خواهد یافت. (Hosseini, 2022)، ذات انقلاب اسلامی و راهبرد برآمده از آن را در تقابل و تعارض با قدرت‌های بزرگ و در رأس

1- Subjectivity

2- Cognitive Linguistics

3- Conceptual Metaphor



آن‌ها تقابل فعال با آمریکا می‌داند. با فروپاشی شوروی و هژمونی آمریکا، تعیینات ساختاری در سطح بین‌المللی تشدید شد و این امر ایران را در برابر آمریکا قرارداد. با توجه به وزن آمریکا در نظام تجارت جهانی و همراهی اجتناب‌ناپذیر همسایگان و متحدان ایران با تحریم‌های اقتصادی، آزادی عمل دولت سیزدهم برای تحقق جهت‌گیری‌های اعلانی با محدودیت مواجه گردید. ظهور ترامپ و خروج دولت آمریکا از برجام از جمله پیامدهای عینی و عملی آمریکا در برابر ایران است. (Soleimani, 2022)، گفتمان سیاست خارجی دولت سیزدهم را بر مبنای چندجانبه‌گرایی عدالت محور بررسی می‌کند. نویسنده معتقد است راهبرد خنثی‌سازی تحریم و متوازن‌سازی هوشمند روابط خارجی اقتصادی و سیاسی از طریق دو سازوکار راهبرد «نگاه به شرق» و «سیاست همسایگی»، به رفع تحریم و پی‌ریزی نظام بین‌الملل عادلانه منجر خواهد شد. (Roomi, 2023)، از منظر چرخش راهبردی، گفتمان سیاست خارجی را از «نه شرقی و نه غربی» به سمت «نگاه به شرق» مورد بررسی قرار داده است. نویسنده دگرگونی راهبردی را برآمده از دگرگونی ساختار دوقطبی جنگ سرد و اصل خودیاری می‌داند که «نفی» جایگزین «اتحاد یا ائتلاف با شرق» می‌شود. او معتقد است رویکرد آرمانی - هنجاری انقلابی‌گری، امت‌گرایی و حمایت از جنبش‌های رهایی‌بخش، به «عمل‌گرایی / پراگماتیسم» و نگاه به شرق، سمت‌وسو پیدا کرده است. اما سیاست بلندمدت با شرق همیشه با راهبرد تعارض‌آمیز غرب، به‌ویژه آمریکا و رفتارهای تهدیدآمیز آن با کشورهای شرق مواجهه است. ترس، تحریم و ارتقا دریافت فناوری «دیگران» را نسبت به «ما» دچار تردید کرده است. (Rezaei, 2021)، معتقد است با در دستور قرار دادن الگوی نظم عدالت محور و با تأکید بر استراتژی موازنه نرم در برابر ابرقدرت هژمون می‌توان ضمن پرهیز از رویارویی مستقیم با این قدرت، هزینه‌های رهبری قدرت هژمون را بالا برده و او را مجبور به عقب‌نشینی کند. بنابراین، با برکنار زدن ذهن‌گرایی و عین‌گرایی صرف و با در نظر گرفتن منابع و امکانات کشور و تأسی از بیانیه گام دوم انقلاب می‌توان به تمدن‌سازی اسلامی، دیپلماسی هوشمند و رفع تحریم‌ها، و گسترش روابط دوستانه با کشورهای همسایه با استفاده از موازنه نرم در وجه بیرونی (شامل تلاش دیپلماتیک در نهادهای بین‌المللی) و در شکل درونی (بسیج منابع درونی و افزایش توانایی‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی)، پرداخت.

اما این پژوهش تلاش دارد سیاست خارجی ایران را نه بر اساس راهبرد برون‌گفتمانی و تعیینات ساختاری نظام بین‌الملل، بلکه بر اساس «بافت کلامی» و «استعاره‌های مفهومی» که کلیتی از ساختار زبان، ذهن و فرهنگ را شامل می‌شود مسیر تحول و موانع تحقق نظم عدالت محور را مورد بررسی و تفسیر قرار دهد. از این رو، سیاست را به کلام و متن را بر اساس استعاره در کانون توجه خود قرار داده است تا به «فهم» و

چرایی اقدامات و راهبردهای کلان سیاست خارجی دولت سیزدهم دست یابد.

### چارچوب نظری

مکتب انگلیسی<sup>۱</sup> در چارچوب سنت خردگرا، راهی میانه<sup>۲</sup> را در برابر واقع گرایی و انقلابی گری در پیش گرفته است. این رهیافت در عین پذیرش ماهیت آنارشیک روابط بین الملل (مانند واقع گرایان)، بر «اجتماعی» بودن روابط و وجود اهداف و هنجارهای مشترک و همکاری میان دولت‌ها (همانند آرمان گرایان)، تأکید دارد. بنابراین، مکتب انگلیسی دگرگونی در روابط بین الملل را «ممکن»، اما دشوار می‌داند. (Wight, 2022, pp.37-38). بدین لحاظ، نه بدبینی واقع گرایان را دارد و نه خوش بینی آرمان گرایان را. نگاه واحد مطالعه‌ی مکتب انگلیسی به جای نظام بین الملل، تأکید بر «جامعه بین المللی» است؛ گروهی از دولت‌ها با آگاهی از برخی «منافع مشترک»<sup>۳</sup> و «ارزش‌های مشترک»<sup>۴</sup>، به یک «جامعه» شکل می‌دهند. یعنی در روابطشان با یکدیگر خود را مقید به مجموعه‌ای مشترک از «قواعد» تصور می‌کنند و در کارکرد نهادهای مشترک سهیم‌اند. از این رو، تأکید مکتب انگلیسی بر نقش فرهنگ‌ها، هنجارها، و قواعد حاکی از سازه‌انگاران بودن است.

در مکتب انگلیسی، دولت‌ها در جامعه‌ای از دولت‌ها<sup>۵</sup> قرار دارند و امکان کارکرد نظام دولتی را می‌دهند. آنچه به نظم در قلمرو بین المللی قوام می‌بخشد «هنجارها»ی مربوط به قرارداد و حفظ «قول» یا «وفای به عهد» است (Ruggie, 1998, p.24). بنابراین، سیاست بین الملل مستقل از فهم کنشگرانی که آن را می‌سازند نیست. دولت‌ها به عنوان اعضای این جامعه‌اند و روابط میان حاکمان (افراد حاکم و دولت‌های حاکم) به جامعه بین الملل شکل می‌دهند. بعلاوه، درجه‌ی «جامعه» بودن یک پیوستار است که طیفی را از آگاهی‌ها و تماس‌های محدود تا تعامل گسترده و مستمر از طریق چارچوب نهادین توسعه یافته روابط بین الملل، در برمی‌گیرد. از این رو، در جامعه بین الملل «تکالیف» متقابلی وجود دارد. این تکالیف حاصل قواعد تنظیمی است که برای نظم و پیش‌بینی پذیر ساختن نظام طراحی می‌شوند. مانند احترام به پیمان‌های



497

استعاره مفهومی «مسیر» و «تحول عدالت» در گفتن سیاست خارجی دولت سیزدهم

- 1- English School
- 2- Via Media
- 3- Common Interest
- 4- Common Values
- 5- Society of States



تجاری، مصونیت فرستادگان و غیره. در نتیجه، وجه گفتمانی سیاست بین‌الملل دیپلماسی و حقوق بین‌الملل است که این گفتمان را به زمینه فهم مشترک بینا ذهنی وابسته می‌سازد.

مایننگ «زبان» را واسطه میان امر واقعی و مفهومی می‌بیند و معتقد است فهم بینا ذهنی به واقعیت بین‌المللی شکل می‌دهد (Moshirzadeh, 2009, p.144). زبان و قواعد ناظر به تعهد و نیل به ارزش‌ها و هنجارهای مشترک و وجود حقوق بین‌الملل است. از این لحاظ، مکتب انگلیسی، علاوه بر دولت‌ها که «یکی» از اشکال گروه‌بندی میان انسان‌هاست، افراد انسانی را به‌عنوان واحدهای تشکیل‌دهنده نظم جهانی قلمداد می‌کند. از این رو، بول<sup>1</sup> معتقد است جاذبه‌های وطن‌انگارانجامه جهانی می‌بایست اولویت عدالت را نسبت به افراد انسانی قلمداد کند و نه دولت‌ها (Griffiths and et al., 2009, p.216). به همین خاطر، از لحاظ نظری، علاوه بر دولت‌ها جایی برای طرح سایر کنشگران نیز مهیا می‌شود. به نظر مکتب انگلیسی، دولت‌ها در جامعه بین‌الملل توسط افرادی نمایندگی می‌شوند که نقش کارگزاری دارند، پس باید بتوان اصول راهنمای رفتار آن‌ها و معنایی را که برای کنش‌های خود قائل‌اند، شناخت. این کنشگران در خلأ عمل نمی‌کنند، بلکه در ساختار جامعه بین‌الملل که شامل اصول و قواعد حقوقی است، عمل می‌نمایند.

از این رو، جدا کردن مسائل اخلاقی - هنجاری از روابط بین‌الملل امکان‌پذیر نیست (Moshirzadeh, 2009, p.149). دولت‌ها واحدهای غیر اخلاقی نیستند و توسط انسان‌هایی نمایندگی می‌شوند که لاجرم موضعی اخلاقی نیز دارند. بعضی از این اصول اخلاقی شامل اخلاق کم‌مایه است. یعنی از حد توافق میان دولت‌ها بر سر اصولی که امکان هم‌زیستی در جهت تأمین منافع مشترک را به آن‌ها می‌دهد. برخی دیگر، شامل اخلاق پُرمایه است. یعنی اصول اخلاقی جهان‌شمول مانند دفاع از حقوق بشر و دفاع از مستضعفین یا دفاع از «انسانیت» را شامل می‌شود. مورد دوم، بیشتر به خیر بشری توجه دارد و ابعاد فرهنگی و گفتمانی حقوق بین‌الملل را در چشم‌انداز خود مدنظر قرار می‌دهد.

بنابراین، قلمرویی از نظم و امنیت شکل می‌گیرد که اجازه می‌دهد مفاهیمی چون خیر، عدالت و اخلاق مطرح شود و بتوان به دنبال زندگی بهتر، خیر عمومی و سعادت بود. بنابراین، اگر واقع‌گرایان بر خودیاری<sup>2</sup> و افزایش قدرت نظامی و معضله امنیت در نظام آنارشی باور دارند؛ و لیبرال‌ها به برداشت مثبت از سرشت بشر، عقلانیت و تأکید بر نقش کارگزاری انسانی تأکید می‌کنند؛ نظریه مکتب انگلیسی معتقد است جامعه

1- Hedley Bull  
2- Self-Help



بین‌المللی تجلی اجتماع بشری است که جایگزین دولت‌ها نمی‌شود، اما «محدودیت‌هایی» را بر آن‌ها اعمال می‌کند (Wight, 1966, p.95). بقای این جامعه منوط بر وجود هسته‌ای از معیارهای مشترک و عرف‌های مشترک است. این معیارها با همکاری، دیپلماسی، و قواعد به‌دست می‌آید. از جهت دیگر، نگاه مکتب انگلیسی به «تغییر» در بسیاری از بحث‌ها جنبه «هنجاری» می‌یابد. از نگاه آن‌ها، دغدغه تغییر صرفاً تلاشی برای تبیین و توضیح تغییر یا امکان آن نیست؛ بلکه آرمان و هدف آن‌هاست. بنابراین وظیفه کشورها در قبال کشورهای فقیر و ضعیف؛ توجه خاص به نظم اخلاقی؛ عدالت؛ عقلانیت؛ و دگرگون کردن روابط در «جهت عادلانه ساختن» آن، از محورهای مکتب انگلیسی است.

موارد یادشده، در سه سخنرانی رئیس‌جمهور به‌عنوان سیاست خارجی کلان ایران و یک محور کانونی برای ساخت یک جهان بهتر بر پایه عدالت، عقلانیت و اخلاق مورد تأکید قرار گرفته است. این هدف، در «مسیر» تغییر نظام کهنه یک‌جانبه‌گرایی به سمت نظام چندجانبه‌گرایی بر پایه تحول عدالت مبتنی بر ارزش‌های والای انسانی انجام می‌گیرد.

### روش پژوهش

اگرچه تمایز قاطعی میان گفتمان و بافت میسر نیست، اما نحوه‌ی اثر بافت به‌عنوان مفهومی مؤثر در فهم چگونگی اثر گفتمان بر روی جامعه و موضوع پژوهش وجود دارد. «بافت به‌عنوان پس‌زمینه اجتماعی بر روی گفتمان مشاهده می‌شود» (Van Dijk, 2021, p.11)، و حضور خود را در موقعیت، فرصت و چشم‌انداز پدیدار می‌سازد. پدیده‌های اجتماعی در خلأ و انزوا مطالعه نمی‌شوند، بلکه در ارتباط با برخی از انواع موقعیت‌های جغرافیایی، تاریخی، اجتماعی، فرهنگی یا نهادی و محیط مطالعه می‌شوند. بنابراین، بافت به‌گونه‌ای بر یک کلمه، متن یا رویداد تأثیر می‌گذارد یا تفسیرشان را امکان‌پذیر می‌نماید (Van Dijk, 2021, p.41). از طرف دیگر، انواع بافت، اغلب با انواع ژانرهای گفتمان ارتباط دارد. طبقه‌بندی الگوهای بافت رسمی شامل حوزه (عمومی، خصوصی)؛ شیوه‌ی اظهار (گفتار، نوشتار، چندرسانه‌ای)؛ حوزه اصلی اجتماعی (سیاست، رسانه، تعلیم و تربیت)؛ نهاد یا سازمان (پارلمان، دانشگاه، بازار)؛ نقش مشارکت‌کننده و نسبت‌ها (رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، اعضای مجلس)؛ اهداف (ارائه اطلاعات یا نیاز به دانش مشورت) و تعامل‌ها (تصمیم‌سازی، حکومت کردن و غیره)، است (Van Dijk, 2021, p.53). از این رو، به تعبیر ون‌دایک، «بافت‌ها نوعی مدل ذهنی هستند که علاوه بر بازنمایی متن، کاربران مدل‌های ذهنی خود را از رویدادهایی که متون درباره‌ی آن‌ها است، می‌سازند (Van Dijk, 2021, p.111).



مدل‌های ذهنی و گفتمان‌ها به وسیله طرح‌واره‌ها که تجربیات اندوخته از موقعیت‌های روزمره تکرار شونده است، به وسیله تفسیر قابل فهم می‌شود. از این رو، درک بافت نیاز به مطالعه‌ی دقیق پیکره متن و تمایز استعاره‌های زبانی از اصطلاح‌های غیراستعاری (یعنی اصطلاح‌های لفظی) هستیم. بدین خاطر، پس از متن گفتمان، واحدهای واژگانی در متن تعیین می‌شود و سپس رابطه‌ی آن و اینکه هر واحد چگونه توسط متن فراخوانده می‌شود، مشخص می‌گردد (Kövecses, 2019, pp.21-22). بنابراین، با «روش پراگماتیک»، بافت کلامی و گفتمان ضد سلطه رئیس‌جمهور، در امتداد مدل ذهنی عدالت و طرح‌واره معنویت پدیدار می‌شود.

### یافته‌های پژوهش

#### 1.5 سخنرانی اول 1400

هفتاد و ششمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد (واقع در نیویورک)، ایالات متحده آمریکا، به دلیل شرایط همه‌گیری ویروس کووید 19<sup>2</sup> به صورت ویدئو کنفرانس به ریاست «عبدالله شهید» از کشور مالدیو برگزار شد. در این اجلاس، ابراهیم رئیسی به عنوان رئیس دولت جمهوری اسلامی پنج محور را که مشتمل بر عقلانیت، عدالت، آزادی، اخلاق و معنویت بود، به عنوان یک راهبرد کلان در برابر نظام بین‌الملل به طور اعم، و در برابر سلطه آمریکا به طور اخص بیان نمود. امکان تغییر و بهبود وضعیت ملت‌ها، از جمله محورهایی است که او به تبیین آن پرداخت و اشاره کرد که حقوق ملت‌ها و تکلیف دولت‌ها با اجرای حقوق بین‌الملل و استقامت جامعه بین‌الملل همراه است. او بارها از مفهوم حق و عدالت سخن گفت و عدالت را در چارچوب رسالت دین قرار داد. بدین منظور برای فهم «بافت کلامی» رئیس دولت ایران و بازنمایی آن در سیاست خارجی، تجزیه و تحلیل سیاق سخن او لازم و ضروری است.

آیت‌الله ابراهیم رئیسی در اولین جملات سخنان خود بر «هویت‌گرایی» و «استقامت» در برابر «سلطه‌جویان» (یعنی ایالات متحده و کشورهای غربی اروپایی)، اشاره می‌کند و زمینه گفتگو را از فضای سلبی و آنتاگونیستی به فضای ایجابی و آگونیستی مهیا می‌سازد. او ضمن اشاره بر حق تعیین سرنوشت و آزادی؛ وجه آرمانی - هنجاری سیاست خارجی و غایت جهان‌نگری آن را که در تحقق عقلانیت، عدالت و

1- Praggeljaz Method

2- Coronavirus Disease 2019 (COVID-19)

آزادی است، بیان می‌کند. او آزادی را به معنای حق اندیشیدن، تصمیم‌گیری و عمل کردن برای همه انسان‌ها تعبیر می‌کند. بعلاوه، او تصریح می‌کند که صلح و امنیت پایدار در گروهی اجرای عدالت است و اساساً رسالت انبیای الهی این بوده است که انسان‌ها به مطالبه حق و عدالت برخیزند؛ چراکه هرگونه نقض و یا عدم دستیابی به این مؤلفه‌ها، عدالت و آزادی را از «مسیر» تحقق حقوق ملت‌ها منحرف و صلح و امنیت جهانی را به مخاطره می‌افکند.

او این وضعیت ترس همه از همه و به دیگر سخن، ذات نظام آنارشی را با سلطه‌گری ایالات متحده آمریکا در یک ردیف قلمداد می‌کند و معتقد است این سیاست، یعنی اندیشه سلطه و تفکر سلطه‌گری، شکست خورده است. او اشاره می‌کند که استقامت ملت‌ها، قوی‌تر از قدرت‌های بزرگ است و می‌گوید: «اشتباه آمریکا در چند دهه گذشته این بوده بجای تغییر «روش زندگی» خود با جهان، «روش جنگ» خود را با جهان تغییر می‌دهد. راه غلط را نمی‌توان با روش متفاوت به نتیجه رساند» (Raisi, 2021a). او تحریم را یکی از روش‌های جدید آمریکا می‌داند و زمینه تاریخی آن را نه از زمان برنامه هسته‌ای و انقلاب اسلامی بلکه، از سال 1951، یعنی زمان ملی شدن صنعت نفت می‌داند. او یکی از این تحریم‌ها را که در دوران کرونا اتفاق افتاد، تحریم دارو و عدم توزیع عدالت در سلامت برمی‌شمارد که به نوعی جنایت علیه بشریت است. از این رو، با تأسی از بیانیه گام دوم انقلاب و فرمان توسعه دانش‌های بنیادی در زمینه بهداشت، سلامت، فناوری و سایر محورهای توسعه، نه تنها تأمین و خودکفایی در تولید را در محور کار سیاست داخلی قرار می‌دهد، بلکه با استفاده از دانش صلح‌آمیز هسته‌ای، علی‌رغم تحریم‌های ضد حقوق بشری، زمینه صادرات این اقلام را در دستور کار خود به سایر کشورهای همسایه فراهم می‌کند.

از این منظر، حُسن هم‌جواری با همسایگان ایران، و روح «همکاری» و سیاست الهی - انسانی در سیاست خارجی ایران پدیدار می‌شود. از این رو، اندیشه ایدئولوژیکی جمهوری اسلامی ایران برگرفته از مکتب امام خمینی (ره) و مفهوم اسلام ناب است. در این مکتب، عقلانیت، امت و مقاومت همسو با منافع ملی از محورهای آن هست. محوری که حامی آزادی ملت‌ها و مانع افراطی‌گری است. از این رو، الگوی امنیت‌سازی جمهوری اسلامی مبتنی بر شکل‌دهی به مکانیسم‌های درون منطقه‌ای با محوریت دیپلماسی و بدون مداخله خارجی بوده است. او در رابطه با «برجام» و سیاست فشار حداکثری و خودسرانه آمریکا می‌گوید: «سیاست ظلم حداکثری هنوز رها نشده است. ما چیزی بیش از حق خود نمی‌خواهیم. ما خواستار اجرای حقوق بین‌الملل هستیم. همه طرف‌ها باید به توافق هسته‌ای و قطعنامه سازمان ملل متحد در عمل پایبند بمانند» (Raisi, 2021a). در ادامه می‌افزاید: «پانزده گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، پایبندی





ایران به تعهدات خود را تأیید کرده است. اما آمریکا به تعهد خود که لغو تحریم‌هاست عمل نکرده است، نقض عهد کرده است، از برجام خارج شده است». ابراهیم رئیسی، ایستادگی و مقاومت پویای جمهوری اسلامی را برآمده از عقلانیت راهبردی آن می‌داند که در عین دفاع قاطع از حقوق و منافع ملت ایران، به دنبال همگرایی و همکاری گسترده اقتصادی و سیاسی با جهان است. او در پایان اشاره می‌کند: «من به دنبال تعامل مؤثر با همه کشورهای جهان بخصوص کشورهای همسایه هستم و دست آن‌ها را به گرمی می‌فشارم» (Raisi, 2021a) و کلام خود را برای ایجاد جهانی بهتر که مملو از عقلانیت، عدالت، آزادی، اخلاق و معنویت است به پایان می‌رساند.

## 2.5 سخنرانی دوم 1401

هفتاد و هفتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد (در نیویورک)، به ریاست «چابا کروش» از کشور مجارستان به تاریخ Sep 13, 2022، در هنگامی برگزار شد که رخدادهای اعتراضی اواخر پاییز در داخل ایران، بخشی از سخنرانی رئیس‌جمهوری را نسبت به استانداردهای دوگانه حقوق بشر و مسئله کرامت انسانی، به خود اختصاص داد. او در فرازی از سخنرانی خود اشاره می‌کند که «بالا تر از حقوق بشر، حقوق ملت‌ها است، که به راحتی توسط قدرت‌های «ظالم» پایمال می‌شود» (Raisi, 2022). رئیسی اضافه می‌کند: «حق جوامع بومی کانادا که فرزندانشان به جای کلاس‌های مدرسه در گورهای دسته‌جمعی حیات مدرسه دفن شدند؛ حق تعیین سرنوشت ملت فلسطین؛ حق توسعه‌ی ملت‌های تحت تحریم؛ حق حیات ملت‌های تحت اشغال یا قربانی تروریسم؛ همگی نشان می‌دهند جایگاه مدعی و متهم در مسئله حقوق بشر نباید جابجا شود» (Raisi, 2022). ایشان با اشاره به کارکرد رهاننده و نجات‌دهنده «سردار قاسم سلیمانی» در شکست داعش<sup>1</sup>، و رهایی زنان کرد، ایزدی و مسیحی از بردگی؛ اظهار می‌کند که ناقضان اصلی حقوق بشر شایستگی اخلاقی لازم برای نقد حقوق بشر را ندارند، بلکه ایران خود در جایگاه مدعی و مدافع حقوق بشر هست و حامیان داعش در جایگاه متهم قرار دارند.

بخش دوم از سخنان رئیس‌جمهوری دولت ایران به چرخش و تغییر جهان از «جهان کهنه یک‌جانبه‌گرایی به سمت جهان نو و چندجانبه‌گرایی» است. او بیان می‌کند «گزینه‌ای جز همبستگی و همکاری در چارچوب چندجانبه‌گرایی مبتنی بر عدالت و براساس اصول و ارزش‌های متعالی انسانی منبعت از آموزه‌های انبیای

1- Islamic State of Iraq and the Levant (ISIL); برگردان سرنام آن به داعش نامیده می‌شود

الهی، وجود ندارد» (Raisi, 2022). بنابراین او عدالت را مبتنی بر «نفی ظلم» و در چارچوب هنجارهای اسلامی، بر اساس نقل قول از قرآن کریم در اولین کلام خود مبتنی می‌داند. او با خواندن آیه 25 سوره حدید که می‌گوید: «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب کریم (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا قیام به عدالت کنند»؛ عدالت را بر پایه‌ی آموزه‌های انبیای الهی و به‌عنوان معیار اساسی برای ساخت جهانی بهتر می‌داند. او علت دشمنی جهان سلطه‌گر کهنه با جهان نو را در همین سلسله باورها می‌داند. او اضافه می‌کند: «ما رابطه‌ی مبتنی بر ظلم را بر نمی‌تاییم و پای حقوق ملت خود ایستاده‌ایم» (Raisi, 2022). این گفتار بازتاب این سخن است که دست یافتن به امنیت جهانی از هر طریق و مسیری غیر از عدالت، پایدار نخواهد ماند. این اندیشه برگرفته از فرهنگ قرآنی است که بارها در کلام خدا تکرار شده است که نه ظلم کنید و نه زیر بار ظلم بروید. او این اندیشه منطقی را از سطح کلامی و دینی به سطح جامعه بین‌الملل گسترش می‌دهد؛ چراکه سرنوشت بسیاری از ملت‌ها با این منطق دچار دگرگونی می‌شود. او نتیجه می‌گیرد بازیگران بین‌الملل که از قدرت منطق بی‌بهره‌اند، به منطق «زور» متوسل می‌شوند. بنابراین کشوری که منطق ندارد متوسل به کودتا، اشغالگری، مداخله نظامی، لشکرکشی، برخورد گزینشی با تروریسم و بی‌عدالتی‌های دیگر می‌شود. او همچنین به مسئله سلاح هسته‌ای و امنیت بین‌الملل اشاره می‌کند و می‌گوید: «آیا توسل به سلاح اتمی جهان را به سوی عدالت سوق داد؟ یا زمینه‌ی سلطه‌گری شد. کشته شدن هزاران نفر از کودکان یمنی، سوری، و افغان در خدمت کدام آرمان بشری بوده است؟» (Raisi, 2022). بدین صورت، جلوه‌های ظلم و بی‌عدالتی در جهان را توسط نظام هژمون و قدرت‌های بزرگ توصیف می‌کند.

از این جهت، سیاست خارجی ایران که بر مبنای نفی ظلم و بی‌عدالتی قرار دارد، بر این مسئله تأکید می‌کند که خواسته‌ی ایران چیزی جز مطالبه‌ی حقوق قانونی عادلانه نیست. بنابراین، در برابر سلطه، عزم ملت‌ها برای تحقق عدالت با دکتین «مقاومت»، پدیدار می‌شود.

### 3.5 سخنرانی سوم 1402

هفتاد و هشتمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد به ریاست «دنيس فرانسيس»، از کشور ترینیداد و توباگو به تاریخ Sep 5, 2023 تشکیل شد. رئیس‌جمهور در همان ابتدا جامعه‌ی بشری را بین دو مسئله «است» و «باید»<sup>۱</sup>

1- The Problem of "Is" and "Ought"



و به‌بیان‌دیگر بین آنچه باید «هنجارمند و اخلاقی» باشد و آنچه به «امر واقع» نزدیک است، تقسیم می‌کند. او می‌گوید: «آنچه جامعه بشری را در آینده تضمین می‌کند، توجه به ارزش‌های والایی است که انسان را به سمت کمال و کرامت سوق می‌دهد» (Raisi, 2023). بنابراین، از نظر جامعه بشری و نیز سیاست خارجی ایران، آنچه «خوب» و «تحسین‌برانگیز» به نظر می‌رسد از جایگاه والایی برخوردار است. او مفهوم «والا» و «خوب» را در چارچوب کلام پروردگار در نظر می‌گیرد؛ چرا که می‌تواند «انسانیت» و ارزش‌های «تعالی‌بخش انسانی» را تعریف کند. عناصر انسانیت شامل معنویت، عدالت، اخلاق و حق‌باوری است که سه رکن اساسی توحید، عدالت و کرامت انسانی را در بر دارد. او با اشاره به این راهبرد قرآنی، این عناصر را تأمین‌کننده سعادت بشر و جامعه بشری می‌داند. رئیسی با چشم‌انداز نگرش «جهانی» و «جهان‌وطنی»، همه ساکنان زمین را همچون خواهر و برادر و از یک پدر و مادر می‌داند که یادآوری جامعه جهانی «ملت»‌ها در برابر نظام بین‌الملل «دولت»‌هاست.

رویارویی ملت‌ها در برابر دولت‌ها در کلام قرآن و نگرش ایدئولوژیک سیاست خارجی جمهوری اسلامی قرار دارد که خطاب آن به بشر و انسانیت این است که ستم و تفرقه را نپذیرد؛ چرا که با عمل به این رهنمود می‌توان جهانی از کرامت، عظمت و بهتر ساخت. تمام جهان کهنه و نظام سلطه‌گر سرمایه‌داری سیری‌ناپذیر غرب، مانع تحقق این راهبرد انسانی است. ابراهیم رئیسی با اشاره به اینکه جهان در حال تغییر و «گذار» به نظم بین‌الملل نوظهور است، و این مسیر غیرقابل‌برگشت به نظر می‌رسد تأکید می‌کند که پروژه آمریکایی کردن جهان شکست خورده است؛ مقاومت و بیداری ملت‌ها بیشتر شده و این بیداری برخاسته از انقلاب شکوهمند اسلامی و برانداختن نقاب از چهره سلطه‌گران شرق و غرب است که منطقه خاورمیانه از دو دهه تنش و بحران تحمیلی «عبور» کرده و مقاومت به ثمر نشست است. او این بیداری را با «همراهی» دیگر ملت‌های غرب آسیا، که نقش تعیین‌کننده‌ای در ناکامی نظام سلطه داشته است، در «مسیر» همکاری و همگرایی اقتصادی و سیاسی منطقه‌ای می‌داند.

او معتقد است معادله‌ی سلطه غربی برای جهان، دیگر جواب نمی‌دهد. نظم کهنه لیبرال که در خدمت منافع سلطه‌گران و سرمایه‌داران آمریکایی و اروپایی است، کنار زده شده یا به «پایان راه» خود نزدیک شده است. آنچه در نظم جدید کلیدی است، کنار گذاشتن سلطه جهانی و جایگزینی آن با نظم همکاری‌های منطقه‌ای است. او این نظم را با سیاست «همسایگی» و «همگرایی» چارچوب‌بندی می‌کند. او سیاست همسایگی را، سیاست «خیرخواهانه» برای منطقه می‌داند که با همکاری‌های گسترده اقتصادی و تقویت پیوندهای زیرساختی، تقویت می‌شود. او عضویت در سازوکارهای منطقه‌ای و اشتراک تجارب خود به

همسایگان را به‌عنوان نمونه‌ای از ظرفیت‌های ایران برای نظم‌ی عادلانه در نظر می‌گیرد و با اولویت دادن راه‌گذرهای تجاری، از جمله راه‌گذر شمال - جنوب، که پیونددهنده جهان شمال با جهان جنوب است منافع پایدار اقتصادی را برای همه ملت‌های منطقه تضمین می‌کند. بنابراین، تضمین امنیت پایدار از طریق همکاری‌های درون منطقه‌ای و «ممانعت» از مداخله خارجی، امکان‌پذیر است.

منطقه غرب آسیا به خاطر تجربه طولانی استعمار و تجاوزات نظامی مکرر، فرصت زیادی را برای توسعه و پیشرفت از دست داده است. اما با «هدایت» رهبری انقلاب اسلامی، دکتترین مقاومت، امواج اشغالگری و تروریسم، با موفقیت «به عقب رانده» شده و افق‌های جدیدی را برای منطقه «گشوده» است. پایداری امنیت غرب آسیا، منوط به توسعه جمعی است و مبارزه با تهدیدهای جدی مانند اشغالگری، تروریسم و افراط‌گرایی؛ که برهم زننده هر نظم پایدار است، از مؤلفه‌های دستیابی به ثبات و امنیت منطقه‌ای است. رئیسی قدرت‌های بزرگ را که به‌جای همکاری به قانون‌گریزی و زورگویی روی می‌آورند، موردانتقاد قرار می‌دهد. او به‌ویژه در رابطه با «خروج» آمریکا از برجام اشاره کرد که «خروج آمریکا از برجام، نقض اصل مسلم وفای به عهد است» (Raisi, 2023). او به اروپایی‌ها نیز هشدار داد که در «مسیر» پرهزینه تقابل، بازنده خواهند شد. او همچنین تأکید نمود که این تحریم‌ها بر «عزم» قاطع ملت ایران در «مسیر» پیشرفت کشور، بی‌تأثیر بوده است. او ایالات متحده آمریکا را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌گوید: «وقت آن رسیده است که آمریکا به بحران تصمیم‌گیری خود پایان دهد و مسیر صحیح خود را انتخاب نماید» (Raisi, 2023).

ابراهیم رئیسی در انتها با استفاده از الهیات سیاسی به برپایی عدالت جهانی و ظهور منجی اشاره می‌کند و اظهار می‌دارد که بشر در حال «ورود» به مدار جدیدی است. قدرت‌های کهنه در حال افول‌اند. آن‌ها «گذشته» هستند و ما «آینده» ایم. او همچنین آرزو می‌کند که با توسل به وعده الهی، ناکامی و سرخوردگی سرانجام به «پایان» خواهد رسید.

### تحلیل و بحث یافته‌ها

هنگامی که دولت ترامپ در May 8, 2018 به‌طور یک‌جانبه از برجام «خارج» شد؛ رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای، در واکنش به این اقدام بیان کرد: «بنده از روز اول بارها گفتم به آمریکا اعتماد نکنید؛ هم در جلسه عمومی گفتم و هم در جلسه خصوصی. گفتم اگر می‌خواهید قرارداد ببندید، تضمین لازم را بگیرید و بعد ببندید. یکی از شروطی که گفتم این بود که رئیس‌جمهور آمریکا باید امضا کند»





(Khamenei, 2018). پس از خروج یک‌جانبه دولت ایالات متحده از این توافقات، مسئله هسته‌ای به یک مسئله ملی تبدیل شد. اما ابراهیم رئیسی طی نشست خبری در تاریخ June 21, 2021، قبل به دست گرفتن دولت، اظهار داشت: «سیاست خارجی او نه با برجام شروع و نه به آن محدود می‌شود» (Raisi, 2021b). سیاق سخن رئیس‌جمهور نشان‌دهنده این است که وی علاوه بر استعاره «مسیر» که دو حوزه مبدأ<sup>1</sup> (آغاز) و مقصد<sup>2</sup> (پایان) را در سیاست بین‌الملل بیان می‌کند؛ از استعاره مفهومی «علت‌ها، نیروها هستند»، نیز استفاده می‌کند. بدین گونه که در مفهوم علیت، یک عامل انسانی یا بازیگر بین‌الملل آگاه، قرار دارد که با اراده و اختیار خود مستقیماً از نیروی فیزیکی و منابع قدرت جهت تأثیرگذاری بر محیط استفاده می‌کند (Lakoff & Johnson, 2020, 1/p.262). از این رو، علیت علی، علیت زمانی است. ایشان کاربرد موضع تجربی استعاره مسیر علی بر رویدادها را در آخرین جملات خود در سخنرانی سوم بدین گونه مفهوم‌سازی می‌کند که آن‌ها (یعنی نظام کهنه یک‌جانبه‌گرایی)، «گذشته» هستند؛ و ما (یعنی راهبرد چندجانبه‌گرایی به رهبری الگوی ایران در غرب آسیا)، «آینده» ایم. رویداد علی، با استعاره زمان متحرک، ترکیب شده است و طرح‌واره فضایی<sup>3</sup> بر حوزه هدف نگاشته می‌شود. آنچه نگاشت متحرک از طرح‌واره فضایی را در کنار هم قرار می‌دهد بدین صورت است: محل ناظر (زمان حال)؛ فضای جلو ناظر (آینده)؛ فضای پشت سر ناظر (گذشته)؛ دولت‌ها (زمان‌ها)؛ عبور دولت‌ها از کنار ناظر (گذر زمان). بنابراین، زمینه دولت نسبت به متحرک زمان، سنجیده می‌شود (Lee, 2001, p.3) در این مورد، گویی «زمان» می‌دود و به سمت آینده حرکت می‌کند. یعنی انگار خود را به جلو می‌رانند. بنابراین، دولت‌های منطقه هم خودشان در حال حرکت‌اند و هم عاملی است که عمل حرکت را به عهده دارد (Lakoff & Turner, 1989, p.44). جمهوری اسلامی، عامل حرکتی است که این وظیفه را انجام می‌دهد. در مقابل، قدرت‌های بزرگ و به‌ویژه آمریکا، عاملی است که در جهت عکس دولت‌های منطقه تلاش دارد یا «مسیر» حرکت را تغییر دهد و یا آن را «متوقف» نماید. بعلاوه، سیاست خارجی دولت رئیسی که بر پایه عدالت و اخلاق بنا شده است، به اصل وفای به عهد توسل می‌جوید و با نقد رفتار آمریکا مبنی بر نقض یک‌طرفه برجام، آن را به ضرر جامعه جهانی و اصول بین‌الملل می‌داند. در این حوزه، استعاره «عدالت، ترازو است» با استعاره‌های

---

1- Source Domain

2- Target Domain

3- Spatial Schema



جهتی<sup>۱</sup> «ارزش، بالا است و رذیلت، پایین است»، مفهوم «بالا» در حوزه «جهت» و برای درک «کمیت»ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این رو، فضای ذهنی<sup>۲</sup> برآمده از بافتار کلامی رئیس‌جمهور، طیفی از واقع‌گرایی تا انقلابی‌گرایی مکتب انگلیسی را در برمی‌گیرد که هم روگرفتی از جهان «واقعیت»هاست و هم بر جهان‌وطنی کانتی دلالت می‌کند. از این رو، می‌توان کناکنش سیاست خارجی دولت رئیسی را بر دو وجه گفتمانی الف) موانع سلبی؛ ب) موارد ایجابی، صورت‌بندی کرد. این صورت‌بندی علاوه بر پی‌ریزی ارزش‌های مشترک با همسایگان (بر اساس راهبرد همسایگی)، شامل سازوکارهای نظم عدالت‌محور مبتنی بر اخلاق پُرمايه (همبستگی)<sup>۳</sup> است.

### 1.6 موانع سلبی و عدم وفای به عهد ابرقدرت‌ها

ادعای بنیادین «مکتب انگلیسی» این است که دولت‌های برخوردار از حاکمیت یک جامعه را تحت فضای آنارشیک شکل می‌دهند که الزاماً تسلیم یک قدرت عالی تر نمی‌شوند (Linklater, 2013, p.108). ایران نیز به‌عنوان یک قدرت نوظهور در منطقه، بارها مشروعیت و هژمونی ایالات متحده را در زمینه مداخلات امنیتی، تغییر هنجارها و زیر پا گذاشتن حقوق بین‌الملل مورد چالش قرار داده است. بدین صورت که مقامات آمریکایی به‌عنوان کنشگران بین‌المللی به گونه‌ای عمل می‌کنند که گویی جهان تک‌قطبی است و اصول، روش‌ها و آداب آمریکایی خود را برای سایر کشورها، پیاده می‌کنند (Huntington, 2013, p.37). برخلاف نگرش «همبستگی» که بر همکاری جهت تعقیب دستاوردهای مشترک و تحقق ارزش‌های مشترک (مثلاً حقوق بشر) سخن می‌گوید؛ ایالات متحده بر ارزش‌های خاص سیاسی و اجتماعی آمریکا تأکید می‌کند. بعد یک‌جانبه‌گرایی، تک‌روی را بر همکاری با دیگر کشورها و یا محدود شدن به توافقات یک‌جانبه به‌عنوان یک هنجار ترجیح می‌دهد (Buzan, 2011, p.200). از طرف دیگر، ایالات متحده هیچ قدرت قانونی برتری را فراتر از قدرت ملت آمریکا به رسمیت نمی‌شناسد و هر گرایش خارجی را که مقاصد آن‌ها را مورد تردید قرار دهد به چالش می‌کشد (Buzan, 2011, p.195). از این رو، جامعه بین‌الملل را بر اساس آنچه در ذهن دارند بازسازی می‌کنند. سنت قوی اقتدارگرایی آمریکا با این مفهوم که قانون و سیاست آن تمایلی به تمکین از نهادهای بین‌المللی ندارد، پیوند خورده است.

- 1- Orientational Metaphors
- 2- Mental Space
- 3- Solidarism





اقتدارگرایان جدید (Spiro 2000; Krauthammer 2001)، معتقدند آمریکا نباید از سوی جامعه بین‌الملل محدود شود؛ زیرا این کشور از یک طرف آن قدر قدرتمند است که هم می‌تواند به تنهایی وارد عمل شود و شاید هم پس از آنکه وارد عمل شد دیگران را به پیروی از خود وادار کند (Buzan, 2011, p.201). نمونه‌های آن در دولت بوش (2001) در مواردی مانند عدم تصویب پروتکل مربوط به کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی و سمی؛ تجاوز یک‌جانبه نظامی به عراق بدون صدور قطعنامه از شورای امنیت سازمان بین‌الملل و عدم پذیرش مفاد کنوانسیون‌های ژنو در مورد رفتار با اسیران جنگی مصوب 1949 در مورد زندانش در خلیج گوانتانامو و مهم‌ترین آن خروج یک‌جانبه از «برجام»، مشاهده کرد. بنابراین، بنا بر گفته هدلی بول، ایالات متحده جامعه بین‌الملل را که مبتنی بر حقوق موضوعه مبتنی است (Buzan, 2009, p.70)، نادیده می‌گیرد و یا به آن پایبند نیست. الگوی یک‌جانبه‌گرایی آمریکا تداعی استعاره مفهومی «دولت، پدر است»، و «آمریکا، میزان است»، معیار و سنجش ارزش‌ها و هنجارهای ایالات متحده را در نظام بین‌الملل نشان می‌دهد. این زمینه‌مندی دقیقاً همان‌جایی است که رئیسی با آن مقابله می‌کند و تلاش دارد با سیاست راهبردی «همگرایی منطقه‌ای و سیاست همسایگی»، علاوه بر امکان تحقق هنجارهای اخلاقی مشترک در نگرش «همبستگی»، بازیگران دولتی و غیردولتی را به یکدیگر پیوند بزند و به اجتماع نوع بشر و حقوق فردی توجه نماید (Buzan, 2009, p.64).

## 2.6 موارد ایجابی؛ منافع مشترک و ارزش‌های جهان‌وطنی

سیاست خارجی دولت رئیسی علاوه بر زمینه‌های جهان‌وطن‌گرایانه، رویکردی اخلاقی به مفهوم «انسان» و «زندگی» دارد. از این جهت، دغدغه زیست‌نیک انسانی ریشه در تأمل اخلاقی دولتمردان در جامعه بین‌الملل دارد و جامعه بشری حقیقت مرکزی سیاست بین‌الملل را در برمی‌گیرد (Bull, 2012, p.25)؛ زیرا که اخلاق<sup>1</sup> جزء مقوم زندگی است و مقولاتی مانند ارزش، تکالیف فردی و اجتماعی، صداقت و دروغ، وفای به عهد، رخدادهای بافتاری و کلامی را مورد داوری قرار می‌دهد. از این جهت، جهان‌شمولی ارزش‌های انسانی و همچنین نسبت هنجارها با مقوله «فرهنگ» یکی از مباحث «همبستگی» و «جهان‌وطنی» است. از این رو، پیش‌فرض سیاست خارجی دولت رئیسی بر این بنیان قرار دارد که لیبرالیسم به‌عنوان اخلاق غربی (Fukuyama, 2022, p.21)، لزوماً اخلاق جهان‌شمول نیست و رقبای دیگری نظیر

1- The Community of Mankind

2- Ethic

«اسلام» در برابر آن وجود دارد. اگر در گرایش پلورالیسم مکتب انگلیسی، ارزش‌های مشترک محدود است و تمرکز اصلی آن روی طراحی قواعدی برای «همزیستی» در چارچوب حاکمیت و عدم مداخله نباشد است؛ در رویکرد «همبستگی»، طیف گسترده‌ای از ارزش‌های مشترک و قواعد وجود دارد که نه فقط همزیستی، بلکه به تعقیب دستاوردهای مشترک مانند اخلاق جهان‌وطنی و مدیریت معضلات جمعی می‌پردازد (Bain, 2021, p.102).

تعقیب دستاوردهای مشترک در سیاست همسایگی دولت رئیسی با دو راهکار «اقتصاد و تجارت بین‌المللی» و «امنیت درون‌زا» مبتنی است تا هم بر تحریم‌های ابرقدرت‌ها فائق آید و هم از ورود آن‌ها به منطقه جلوگیری نماید. پایه‌های دستیابی به این راهبرد بر اساس یک «تحول جهادی» و «نظم‌آیجایی مبتنی بر عدالت پُر مایه»، که نوعی راهبرد دائمی در برابر ابرقدرت‌ها، به‌ویژه ایالات متحده است، صورت می‌گیرد. تحول یادشده، بر دو ستون هویت‌های ملی و جغرافیایی و هویت‌های مذهبی و تمدنی اسلام که هم حوزه‌های جنوبی خلیج فارس را در برمی‌گیرد و هم حوزه‌های شمالی آسیای میانه و افغانستان و عراق را پوشش می‌دهد، استوار شده است. منافع مشترک با کشورهای همسایه در کلان پروژه «ایران راه» و «کریدور ارس»، نمونه‌هایی است که کشورهای آسیای مرکزی و جمهوری آذربایجان می‌توانند ایران را به‌عنوان «مسیر» خود در نظر بگیرند. از این‌رو، سیاست خارجی ایران که بر «منطقه‌گرایی» در قالب «سیاست همسایگی» نباشد است تلاش دارد نخست روابط خود را با بازیگرانی گسترش دهد که دارای قالب‌های ادراکی، فرهنگی و ساختاری نسبتاً مشترکی با جمهوری اسلامی دارند و یا شکل‌بندی اقتصادی و سیاسی آن‌ها می‌تواند با ما در وضعیت مکمل قرار گیرد. از این جهت، سخنان رئیسی بر پایه‌ی استعاره مفهومی «دوستی، نزدیکی است» فهمیده می‌شود.

تضمینات عینی و دغدغه‌های ذهنی سیاست خارجی ایران علاوه بر مسائل اقتصادی و فائق آمدن بر تحریم‌های اقتصادی، به‌عنوان یکی از موانع مهم در رشد اقتصادی و تولید صنایع دانش‌بنیان، به «امنیت» نیز اشاره می‌کند. از این‌رو، امنیتی‌سازی در کنش‌گفتارها<sup>۱</sup> علیه جمهوری اسلامی از دولت کارتر تا دولت بایدن (Rezaee & Shariati, 2023, p.254)، و تهاجمات ایالات متحده به سه کشور عراق (Mar 20, 2003)، افغانستان (Oct 7, 2001) و یمن (Jan 12, 2024)، بدیل مناسبی برای مطرح کردن «امنیت درون‌زا» و به حداقل رساندن امکان سوءاستفاده دیگر کشورها از شکاف‌های احتمالی با همسایگان فراهم

می‌کند. در یک نگاه کلی ایجاد امنیت منطقه‌ای، مستلزم ساختاری مشارکت‌جویانه بر پایه اعتمادسازی است. بر همین مبنا، رئیسی در دیدار با نمایندگان سفرا و روسای نمایندگی کشورهای اسلامی و طی دوازده سفر وی در دو سال نخست ریاست جمهوری‌اش، دست دوستی به سوی کشورهای آسیایی دراز می‌کند تا امنیت را در خدمت «دیپلماسی» فراهم نماید.

### نتیجه

سیاق سخن سخنرانی‌های ریاست جمهوری در اجلاس‌های مجمع سازمان ملل متحد، مجموعه‌ای از استعاره‌هایی است که ساختار گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی را در یک موقعیت «رسمی» به وسیله مفاهیم، واژگان و عبارات استعاری بازتاب می‌دهد. مطالعه دقیق متن سخنرانی جناب آقای سیدابراهیم رئیسی در مجمع عمومی سازمان ملل نشان می‌دهد از مجموع 7894 کلمه، شامل: سخنرانی اول (1571)، سخنرانی دوم (3402) و سخنرانی سوم (2921) کلمه؛ عبارت‌های استعاری «مسیر»، «عدالت»، «ظلم»، «تغییر»، «همراهی»، «همسایگی»، «رسیدن»، «رشد»، «سرنوشت»، «ایستادگی»، «عقب‌رانندن»، «توقف»، «بازگشت» و «گام»، «عزم» و «پایان»، بیشترین بسامد واژگان به کار گرفته شده است. در سخنرانی ایشان استعاره مفهومی «جهان، یک مسیر است»، برای درک حوزه مفهومی راه چندجانبه‌گرایی «حوزه مبدأ» برحسب حوزه مفهومی نظام بین‌المللی «مقصد»، نگاشت تطبیقی صورت پذیرفته است. در این مسیر، که «مقصد نهایی» آن ساخت یک جهان نو بر پایه عدالت، نظام چندجانبه‌گرایی، و تقویت سیاست همسایگی در غرب آسیا است، «موانعی» چون نظم کهنه بر پایه نظام سلطه‌گر یک‌جانبه، غارتگر و زورگو حضور دارد که به دنبال «بلوک‌بندی» و «حرکت ارتجاعی» است؛ وضعیتی که امنیت منطقه‌ای و جهانی را به خطر می‌اندازد. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران معتقد است مکتب لیبرال دموکراسی به پایان «راه» خود رسیده است. این زنجیره شوم، یعنی اجازه دادن به شکل‌گیری شرق و غرب جدید به ناامן کردن کریدورهای تجاری؛ کنترل درجه کشورهای از متحد به وابسته؛ ممانعت از رشد اقتصادی کشورهای مستقل و به ایجاد جنگ‌های نیابتی در آسیا و اروپا منجر خواهد شد.

اما با سیاست قدرت‌ساز «همسایگی»، «همکاری» و «همبستگی» ایران در منطقه، کشورهای مستقل جهان در «مسیر» همکاری و همگرایی بیشتر «قدم» برمی‌دارند. بعلاوه، این نظم نوظهور، «مسیری» «غیرقابل برگشت» است. بنابراین، با استعاره مفهومی «دوستی، نزدیکی است»، حوزه مبدأ «نزدیکی»، که عینی، ملموس و تجربی است جهت درک حوزه هدف، که ذهنی و انتزاعی است، مفهوم‌سازی می‌شود. در فضای ذهنی



گفتمان سیاست خارجی ایران، که روگرفتی از چارچوب نظری مکتب انگلیسی و اجتماع جهانی ملت‌هاست؛ قصد و نیت مؤلفه‌های اخلاق، وفای به عهد، عقلانیت و عدالت در سیاست خارجی ایران قابل درک است. در نتیجه، بر پایه آنچه گفته شد قواعد برآمده از هنجار و ارزش‌های مشترک منطقه‌گرایی جمهوری اسلامی ایران در قالب «سیاست همسایگی» بر دو ستون اقتصادی و سیاسی قرار دارد: الف) ژئواکونومیک، که اغلب با کشورهای سکولار یا مسیحی کشورهای آسیای مرکزی و روسیه در مسیر کریدورهای اقتصادی و روابط تجاری جهت خنثی نمودن تحریم‌ها انجام می‌گیرد. ب) اسلام با محوریت مفهوم «مسلمان» و تأکید بر صلح که هم حمایت از افراد و مستضعفین را در بردارد و هم بر عدالت جهانی، نفی ظلم، اخلاق و آموزه‌های انبیاء الهی تأکید می‌کند. این محور، با کشورهای حوزه خلیج فارس، عرب‌زبانان، و حکمرانان اسلامی، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک را به یکدیگر پیوند می‌دهد. به همین خاطر، نظم مطلوب آقای رئیسی برگرفته از الهیات سیاسی، یگانگی افراد بشر، اخلاق پرمایه حقوق بشر، دفاع از انسانیت، صلح‌طلبی، و حُسن هم‌جواری است تا علاوه بر همبستگی جغرافیایی - فرهنگی، ظرفیت همکاری را در ظرف بازار تجاری و ترانزیت کالا جهت کاهش ضریب تحریم‌پذیری و افزایش اقتصاد مقاومتی فراهم نماید. از این رو، اندیشه‌ی عدالت رئیسی برگرفته از فرهنگ قرآنی و گستره اندیشه‌ی منطقی آن از سطح کلامی و دینی به سطح جامعه بین‌الملل است.



#### Reference

- Bain, W. (2021). Pluralism and solidarism, in: *International society: the english school*. edited by cornelia navari. Buckingham: Palgrave Mcmillan. 94-107
- Bull, H. (2012). *The anarchical society: a study of order in world politics*. (4nd Ed.). NY: Palgrave.
- Buzan, B. (2009). *From international to world society*. trans. mohammad ali ghāsemi. Tehrān: Research institute of strategic studies. (in Persian)
- Buzan, B. (2011). *The united states and the great powers: world politics in the twenty – first century*. trans. abdolmajid heidari. Tehrān: Research institute of strategic studies. (in Persian)
- Buzan, B.; Wæver, O., & Wilde, J. d. (1998). *Security: a New framework for analysis*. Co: Lynne Rienner Publishers, Ins.
- Fukuyama, F. (2022). *Liberalism and its discontents*. trans. rahmān ghahramān-poor. Tehrān: Rowzane. (in Persian)
- Gohari Moghadam, A.; Bashiri Lahaqi, M., & Kolivand, Y. (2023). Neighborhood policy in iran's foreign affairs: a proposed model and policy recommendations, *Strategic Studies Quarterly*, 26(2), 57-81. Doi: 10.22034/srq.2023.177552 (in Persian)
- Griffiths, M.; Roach, S. C., & Solomon, M. Scott. (2009). *Fifty key thinkers in international relations*, (2<sup>nd</sup> Ed.). NY: Routledge.
- Hosseini, S. M. (2022). Obstacles to the realization of the neighborhood policy and the

- asian perspective in the 13th government, *Foreign Policy*, 36(2), 5-26. [http://fp.ipisjournals.ir/article\\_696942.html](http://fp.ipisjournals.ir/article_696942.html) (in Persian)
- Huntington, S. P. (2013). The lonely superpower: the new dimension of power, in: *regional powers: iran is an emerging power*. compilation and editing by mohammad bāgher khorramshād. 35-47. Tehrān: Elmi- Farhangi. (in Persian)
- Khalili, M. (2021). *Labyrinth of constitution*. Tehrān: Mizān. (in Persian)
- Khāmenei, A. (2018). Ayatollah khamenei met with teachers and university staffs on teachers week, *The official website of the office for the preservation and publication of the works of the grand ayatollah sayyid ali khamenei*. retrieved in: <https://khl.ink/f/39523> (in Persian)
- Kövecses, Z. (2019). *Metaphor: a practical introduction*. trans. jahānshāh mirzābeigi. Tehrān: Āgāh. (in Persian)
- Krauthammer, C. (2001). Unilateralism is the key to our success, in: *Guardian Weekly*, 22 december.
- Lakoff, G., & Johnson, M. (2020). *Philosophy in the flesh: the embodied mind and its challenge to western thought*. Vol 1. trans. jahānshāh mirzābeigi. Tehrān: Āgāh. (in Persian)
- Lakoff, G., & Turner, M. (1989). *More than cool reason: a field guide to poetic metaphor*. The Chicago University Press.
- Lee, D. (2001). *Cognitive linguistics: an introduction*. Oxford University Press.
- Linklater, A. (2013). English school, in: *theories of international relation*. trans. sajjād heidari-fard. Tehrān: Jahād Dāneshgāhi. 109-136 (in Persian)
- Linklater, A., & Suganami, H. (2006). *The english school of international relations: a contemporary reassessment*. Cambridge University Press.
- Little, R. (2011). The english school's contribution to the study of international relation, in: *International relations theory: precedent and prospect*. trans. abdolali ghavām.; seyed ahmad fātemi-nejād., & saeed shokoohi. Tehrān: Ghoomes. 151-169 (in Persian)
- Moshirzādeh, H. (2009). *Development in international relations theories*. Tehrān: Samt. (in Persian)
- Navari, C. (2021). *The international society tradition: from hugo Grotius to hedley bull*. NY: Palgrave, Mcmillan.
- Raisi, E. (2021a). The full text of ayatollah raisi's Sspeech at the united nations general assembly. *Official website of the president of the islamic republic of iran*. retrieved in: <https://www.president.ir/fa/131480> (in Persian)
- Raisi, E. (2021b). Raisi's first press conference as president-elect. *Iranian students' news agency*. retrieved in: [isna.ir/xdJv3h](https://isna.ir/xdJv3h) (in Persian)
- Raisi, E. (2022). President's speech at the 77th session of the united nations general assembly. *Official website of the president of the islamic republic of iran*. retrieved in: <https://www.president.ir/fa/139713> (in Persian)
- Raisi, E. (2023). President's speech at the 78th session of the united nations general assembly. *Official website of the president of the islamic republic of iran*. retrieved in: <https://www.president.ir/fa/146720> (in Persian)
- Rezaee, N., & Shariati, M. (2023). Reason for trump's failure to identify iran as a threat to international security, *Iranian Research letter of International Politics*, 12(1), Doi: 10.22067/irlip.2023.76217.1269 (in Persian)
- Rezaei, A. (2021). Ibrahim reisi florigen policy. *Journal of Political Strategy*, 5(17), 23-45.



[https://www.rahbordsyasi.ir/article\\_139124.html?lang=fa](https://www.rahbordsyasi.ir/article_139124.html?lang=fa) (in Persian)

Roomi, F. (2023). Transition in strategic priorities of the Islamic Republic foreign policy: from neither east, nor west to look to the east, *Political Quarterly*, 53(1), 161-135. Doi: 10.22059/jpq.2023.93704 (in Persian)

Ruggie, J. G. (1998). *Constructing the world polity: essays on international institutionalisation*. NY: Routledge.

Soleimāni, R. (2022). Discourse analysis of the foreign policy of Ebrahim Raisi government, *Strategic Studies of Public Policy*, 12(44), 10-38. Doi: 10.22034/sspp.2022.699876 (in Persian)

Spiro, P. J. (2000). The new sovereigntists: American exceptionalism and its false prophets, *Foreign Affairs*, 79(6), 9-15.

Van Dijk, T. A. (2021). *Discourse and context: a sociocognitive approach*. trans. Tāher Asgharpour and Ādel Noorzādeh. Tehrān: Negāh- e Mo'āser. (in Persian)

Wight, M. (2022). Why is there no international theory?, in: *International relations and political philosophy*. edited by David S. Yost. Oxford University Press. 22-38

